فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۵۷-۳۳

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۲

مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم

سید رضا شاکری [۱]
استادیار،پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی (نویسنده مسئول)
صادق زینالی [۲]
دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
علیرضا بیگی [۳]
کارشناسی ارشد علوم سیاسی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۶ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تحلیل‌گران و متفکران سیاسی پس از وقوع انقلاب‌های مردمی و شکل‌گیری موج جدید بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، آینده نظام سیاسی و حکومتی در کشورهای در حال گذار سیاسی نظیر تونس، مصر و بحرین بوده است. در این میان، کشور بحرین به سبب اکثریت جمعیت شیعه تحت رهبری آیت‌الله شیخ عیسی قاسم و خواست عمومی اصلاحات مردم‌سالارانه در ابتدای تحولات این کشور در سال ۲۰۱۱ و نیز احتمال تسری مدل مردم‌سالاری آن به سایر کشورهای عربی منطقه، از اهمیت خاصی برخوردار است. این مقاله بر آن است تا به بررسی آرا و اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم، متفکر برجسته اسلام‌گرا و رهبر شیعیان بحرین، ضمن بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصد گرای اسکینر دیدگاه‌های وی را پیرامون نسبت میان اسلام و سیاست و مفهوم حکومت مطلوب ترسیم نماید.
یافته‌های مقاله نشان‌دهنده آن است که با توجه به‌نظام اندیشه‌ای توحیدی شیخ عیسی قاسم و ضرورت پیوند دین اسلام و سیاست از نگاه وی و نیز لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه (در دوره غیبت معصوم)، به نظر می‌رسد حکومت مطلوب ایشان در عصر حاضر که می‌تواند به‌طور مطلق، مشکلات جامعه را برطرف و نیازها را تأمین کند، حکومت اسلامی به رهبری ولایت‌فقیه است. البته حکومت مطلوب آیت‌الله قاسم در عرصه نظر است، اما آنچه در عرصه عمل برای وی و مردم بحرین امکان‌پذیر است، پادشاهی مشروطه است که در آن از اختیارات پادشاه کاسته شده و بر اختیارات مردم افزوده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حکومت مطلوب، شیخ عیسی قاسم، اندیشه سیاسی، بحرین، ولایت‌فقیه

1. sr.shakeri@gmail.com
2. zeinali1978@gmail.com
3. a.r.beygi20@gmail.com

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

۱. مقدمه

به باور بسیاری از محققان مسائل جهان اسلام، ازنظر تاریخی ظهور پدیده اسلام‌گرایی در چند دهه اخیر در مواجهه و برخورد کشورهای اسلامی با غرب و به‌عنوان پاسخی برای عقب‌ماندگی جوامع اسلامی پدید آمد. به‌عبارت‌دیگر، در پی تحولات داخلی در جهان اسلام، مسلمانان از طرفی گرفتار فقـر و فلاکـت، جهل و جمود، ظلم و استبداد، فساد و تباهی و خواب و غفلت شدن و درنهایت عجز و درماندگی و عقب‌ماندگی دست‌وپا می‌زدند. از طـرف دیگـر، چنـان وضـعیت داخلـی آن‌ها در معرض هجوم غرب و ورود تمدن جدید غربـی قـرار گرفـت کـه بـا دو چهره دانش و تفکر جدید، صنعت، فنّاوری و چهره سیاسی اسـتعماری و غارتگرانـه متوجه جهان اسلام شده بود (درخشه،۱۳۹۰: ٤٠).

این دو مسئلهٔ اساسی، یعنی انحطاط و عقب‌ماندگی داخلـی و مسـئلهٔ غـرب، در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر مصائب و مشکلات عدیده‌ای را در دوره معاصر برای جوامع مسلمان به همراه داشت. پس از آشنایی جدی کشورهای مسلمان با غرب عده‌ای از نویسندگان و متفکران کوشیدند با تأکید بر لزوم بازگشت به اسلام اصیل راه چاره‌ای برای جبران عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی بیابند. اینان معتقد بودند چنانچه به‌تمامی دستورات و توصیه‌های دینی به‌خصوص در حوزه اجتماعی عمل شود، مسلمانان یک‌بار دیگر پیشتاز عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خواهند شد. وضعیت مطلوب این فعالان، بازسازی جامعه و حکومت بر اساس احکام و ارزش‌های اسلامی است بنابراین یکی از مهم‌ترین اهداف اسلام‌گرایان توجه ویژه به مسئله حکومت و الگوهای نظری و عملی آن، جهت ساماندهی امور دنیوی و اخروی مسلمین، علیرغم تفاسیر متفاوت از آن بوده است. این دغدغه طی سالیان اخیر به نحو جدی‌تری موردتوجه قرار گرفت و در موج جدید بیداری اسلامی در کشورهای عربی، از سال ۲۰۱۱ بدین سو نمود بارزتری یافت.

بحرین نیز در رابطه با تحولات اخیر غرب آسیا و شمال آفریقا پس از موفقیت خیزش‌های مردمی تونس و مصر، میزبان موج اعتراضات مردمی در سال ۲۰۱۱ شد. این کشور در این تحولات از دو جهت دارای اهمیت است: اولاً اکثریت جمعیت بحرین شیعه هستند و خیزش مردمی اخیر نیز در قالب جمعیت وفاق ملی اسلامی به رهبری شیخ عیسی قاسم بوده که دارای اندیشه‌های شیعی هستند، هدایت می‌شد. ثانیاً این جمعیت خواستار اصلاحات دموکراتیک

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

در ابتدای جنبش شده و مدل مردم‌سالاری آنان در بحرین می‌تواند به سایر کشورهای عربی منطقه نیز تسری پیدا کند.

به دنبال وقوع این تحولات، تحلیل‌ها و تبیین‌های نظری گوناگونی پیرامون آینده نظام‌های سیاسی و حکومتی کشور بحرین از سوی متفکران و صاحب‌نظران مسائل سیاسی ارائه‌شده است. به‌عنوان نمونه، آیا اساساً متفکران اسلام‌گرای تأثیرگذار در هدایت گروه‌ها و جریانات اسلامی این کشور نظیر شیخ عیسی قاسم، تصوری از «حکومت مطلوب» دارند؟ آیا آنان به دنبال حکومتی مطلوب و آرمانی برای مردم کشور خود هستند؟ مفهوم حکومت مطلوب و آرمانی آنان چه بوده است؟

با عنایت به اهمیت موضوع حکومت مطلوب، این مقاله بر آن است تا به بررسی آرا و اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم، از متفکران برجسته اسلام‌گرا و رهبر شیعیان بحرین بپردازد و با بهره‌گیری از روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر دیدگاه‌های وی را پیرامون نسبت میان اسلام و حکومت و نیز مفهوم حکومت مطلوب ترسیم نماید.

لازم به ذکر است در این مقاله مفاهیم کلیدی چون «اندیشه سیاسی»،«اسلام‌گرایی»، «حکومت مطلوب» مطمح نظر قرارگرفته است. مفهوم اندیشه در لغت به معنای فکر، تأمل و تفکر است و اندیشه سیاسی مجموعه‌ای از آرا و عقایدی است که به شیوه‌ای عقلانی و منطقی و مستدل درباره چگونگی سامان دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌گردد که می‌تواند توصیفی یا تبیینی باشد. اندیشمند سیاسی نیز کسی است که بتواند درباره آرا و عقاید خود به شیوه‌ای عقلانی و منطقی استدلال کند تا حدی که اندیشه‌های او دیگر صرفاً آرا و ترجیحات شخصی به شمار نرود (بشیریه، ۱۳۷٦: ١٦).

همچنین اسلام‌گرایی صفتی است که عمدتاً برای توصیف جنبش‌ها، گروه‌ها، افراد و نظام‌های سیاسی مختلف به کار گرفته می‌شود. با توجه به وجود اختلافات فراوان در درون جنبش‌ها، گروه‌ها، افراد و نظام‌های اسلام‌گرای مختلف، اساساً امکان وجود وحدت درونی در اسلام‌گرایی و درنتیجه امکان ارائه تعریف واحد و جهان‌شمول از آن وجود ندارد (بهروز لک،۱۳۸۵:١٤٩). تنوع در ماهیت موصوفات متّصف به صفت اسلام‌گرایی یا امکان وجود گونه‌های مختلف از جنبش‌ها، گروه‌ها، افراد و نظام‌هایی که اسلام را راهنمای اصلی خود در اندیشه و عمل سیاسی می‌دانند مفروض مهمی است که این مقاله بر اساس آن بناشده است.

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

هرچند علی‌رغم وجود تفاوت‌های زیاد میان گونه‌های مختلف اسلام‌گرایی، آنچه می‌تواند به‌عنوان چتری فراگیر یا دالی برتر در میان همه شقوق و گونه‌های مختلف این پدیده مدنظر باشد این است که همه موصوفات اسلام‌گرا- اعم از جنبش‌ها، گروه‌ها، افراد و نظام‌های سیاسی- قائل به وجه سیاسی اسلام یا همان اسلام سیاسی هستند و این موضوع به‌عنوان وجه اشتراک کلیدی میان گونه‌های مختلف اسلام‌گرا مطرح است (سید امامی،۱۳۹۳:٦٨).

به‌منظور تعریف مفهوم حکومت مطلوب، ابتدا می‌بایست منظور از واژه‌های «حکومت» و «مطلوب» مشخص شود سپس مفهوم ترکیبی «حکومت مطلوب» بیان شود. در «فرهنگ معین» حکومت به هفت معنا آمده است: «۱. فرمان دادن و امر کردن؛ ۲. فرمانروایی کردن؛ ۳. سلطنت و پادشاهی کردن؛ ٤. داوری و قضاوت کردن؛ ٥. فرمانروایی؛ ٦. سلطنت و پادشاهی ۷. داوری، قضاوت» (معین، ۱۳۷٥، ج۱، ص۱۳٦۷، ذیل واژه حکومت). در اصطلاح فرهنگ‌های علوم سیاسی، حکومت به معنای حکمرانی، فرمانروایی و ادارهٔ امور عمومی یا رهبری و مدیریت جامعه است. در دانش سیاست معمولاً حکومت را مجموعه‌ای از سازمان‌های عمومی یا نهادی همگانی می‌دانند که به‌منظور تأمین روابط صحیح اجتماعی، حفظ نظم در جامعه، اجرای قوانین و تأمین مصالح عمومی به وجود می‌آید و گاهی به معنای «قوهٔ اجرایی»، در نظام‌های قانونی جدید و مبتنی بر تفکیک قوا، آمده است (آشوری، ۱۳٦٦، ص۲٤۱). مطلوب واژه دیگری است که به معنای مختلف ازجمله طلب کرده شده، جسته شده، خواسته، آرزو شده، خوش‌آیند، دلپسند و غیره آمده است (معین،۱۳۷٥، ج۳: ٤۲۰۳).

بنابراین «حکومت مطلوب» ناظر به اهداف مطلوب و مورد انتظار از حکومت است که افراد یا گروه‌ها به لحاظ نظری و عملی به دنبال آن هستند.

۲. مبانی نظری

به‌منظور پاسخگویی به پرسش اصلی این مقاله که همان چیستی مفهوم حکومت مطلوب از منظر عیسی قاسم به‌عنوان یکی از منادیان اسلام‌گرایی در بحرین است، چارچوب‌های نظری مرتبط با پیوند میان دین و سیاست می‌تواند تا حدود زیادی تبیین‌کننده مبانی نظری طرح باشد. می‌توان گفت که خاستگاه اصلی اسلام‌گرایی و جنبش‌های اسلامی، مفروض اساسی «پیوند دین و سیاست» است. رابطه‌ای که البته با تفسیرهایی متفاوت از زمان‌های بسیار

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

پیش در میان مسلمانان وجود داشته است. در دوران اخیر اسلام‌گرایان با بازسازی نظری این ایده و مبنا قرار دادن آن، جنبش‌هایی را برپا کرده و از این طریق تشکیل حکومت دینی را خواستار شده‌اند. بر این اساس، رابطه حکومت با دین–به ویژه دین اسلام–از مهم‌ترین موضوعات مطرح در اندیشه سیاسی مسلمانان طی یک‌صد سال اخیر بوده است (حاتمی و بحرانی،۱۳۹۲). در اینجا به مهم‌ترین نظریات و تقسیم‌بندی‌ها پیرامون این رابطه در جهان اسلام پرداخته می‌شود:

الف–ضرورت؛ پیوند ذاتی دین و سیاست

در این نگرش، سیاست اسلامی را در متن شریعت اسلامی و از لحظه نزول آن می‌داند، به‌گونه‌ای که هیچ ثنویتی میان آن دو را به رسمیت نمی‌شناسد و هرگونه سخن از جدایی را طرح و نقشه استعمار می‌داند. بنابراین نصوص و تاریخ اسلام هردو مبنای سیاست اسلامی و شاهدی بر ضرورت–و نه امکان– تشکیل حکومت در اسلام است. مهم‌ترین مفهوم در این نگرش در میان اهل سنت، شورا و بیعت و نزد شیعه امامت و ولایت است.

حسن البنا به‌عنوان یکی از مؤسسین اصلی جمعیت اخوان المسلمین مصر و اندیشمندی اصلاحگر معتقد است که جدا کردن اسلام از سیاست، درواقع بی‌معنا کردن و نفی آن است؛ زیرا در آن صورت دیگر چیزی باقی نمی‌ماند. ازنظر وی «ما مقصر نیستیم که سیاست بخشی از دین و اسلام دربردارنده حاکم و محکوم است. در تعالیم اسلامی این امر که آنچه متعلق به قیصر است به قیصر و آنچه از آن خداست به خدا واگذار نیست؛ بلکه در آموزه‌هایش قیصر و آنچه مربوط به اوست هم از آن خداوند قهار است» (البنا، ١٤١٢: ١٨).

محمد الغزالی نیز متأثر از البناء اسلام را دینی جامع و کامل می‌داند و برای نظام سیاسی دو مبنای عدل و شورا را قائل است. غزالی با توجه به عقایدش درباره پیوند دین و سیاست و قابلیت اجرای احکام اسلام در همه زمان‌ها و مکان‌ها، سکولاریسم را ارتداد از دین می‌داند (الضاهر، ١٤١٤: ٢٧). به نظر وی سکولاریسم نه‌تنها مقوله خروج از دین، بلکه خروج بر حکومت است (الغزالی، ١٤٠٤: ٩٢).

یوسف القرضاوی نیز مانند اسلاف اخوانی خود با تأکید بر جامعیت دین اسلام و ارائه تفسیر سنتی از آن، نظام سیاسی را مضمر در دین می‌داند. او معتقد است که مفهوم اسلام

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

سیاسی یکی از تعبیرات برساخته سکولاریست‌ها و غرب‌گرایان چپ و راست است و مقصود آن‌ها از افزودن اسلام به سیاست این است که اسلام و سیاست را در ابتدا دو پدیده جدا از هم معرفی کنند، درحالی‌که سیاست در بطن آموزه‌های دین اسلام نهفته و اسلام سیاسی در مقابل اسلام غیرسیاسی کاربردی نارواست (القرضاوی، ١٤١٩: ٣١). به نظر قرضاوی ازآنجاکه اسلام، سیاست بدون دین را قبول ندارد، اهل سیاست باید دین‌دار و عالم به دین و اهل دین همگی باید کاردان، زیرک و آشنا به امور جامعه و اطراف خود باشند. پس هم اهتمام به امور مسلمین واجب است و هم نصیحت ائمه مسلمین و هم توصیه به معروف و نهی از منکر. ازنظر وی این اصول در کنار شورا مبادی اصلی نظام سیاسی اسلام را تشکیل می‌دهند (القرضاوی، ١٤١٢: ١٨٢).

ب- امکان؛ پیوند تاریخی یا ابزاری دین و سیاست

این دسته از اندیشمندان، دین اسلام و سیاست اسلامی را امر واحدی تلقی نمی‌کنند، بلکه در نظر آن‌ها دین و سیاست دو پدیده متفاوت است، اما درباره دین اسلام به دلایلی میان آن دو پیوند برقرار شده است. این پیوند ممکن است تاریخی یا ابزاری باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، شرایط ظهور و بستر شکل‌گیری اسلام، اقتضای پیوند آن با سیاست را ممکن کرد و سیاست به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد و تثبیت اسلام در قالب اجرای احکام و دستورهای آن به خدمت گرفته شد و طی زمان، مفاهیم و روش‌هایی طرح و اجرا شد که صورت اسلامی به خود گرفت.

ج- امتناع؛ نفی هرگونه پیوند دین و سیاست

این دسته از نویسندگان امکان استخراج هرگونه نظام و نظریه سیاسی از نصوص و تاریخ اسلامی را نفی می‌کنند. ازنظر برخی از این افراد حتی ریاست پیامبر در مدینه هم ریاستی سیاسی نبود، بلکه تنها ریاستی روحانی محسوب می‌شد. علی عبدالرزاق در کتاب الاسلام و اصول الحکم هرگونه امر، نظریه و نظام سیاسی اسلامی را منتفی دانست. او معتقد بود که در قرآن و سنت هیچ دلیلی بر سیاسی بودن اسلام یافت نمی‌شود و حکومت پیامبر نیز اولاً ارکان لازم یک حکومت را نداشت و ثانیاً شأن سیاسی پیامبر جدای از شأن رسالت و نبوت آن حضرت بود. دینی دانستن حکومت پیامبر باذوق عمومی مسلمانان سازگارتر است؛ زیرا

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

برای آن‌ها نوعی وحدت به ارمغان می‌آورد. درحالی‌که به‌زعم وی، رأی صواب این است که خداوند در قرآن، سلطه سیاسی را بر پیامبر تحریم کرده و او را به موعظه حسنه امر کرده است (عبدالرزاق، ۱۱۷–۱۱۸)؛ بنابراین حکومت پیامبر، عملی جدای از دعوت ایشان بوده است و «البته نباید از شنیدن این سخن هراس داشته باشیم که پیامبر عملی خارج از وظیفه پیامبری‌اش انجام داده است که مهم‌ترین آن‌ها حکومت دینی است که هیچ ربط و پیوندی با نبوت رسالتش ندارد»(عبدالرزاق، ۱۲۰).

فرج فوده نیز پس از بررسی متون و تاریخ اسلام اظهار داشت که نمی‌توان در دین به دنبال نظام سیاسی منسجمی بود و بر همین اساس او حکومت را در اسلام غایب می‌دانست. او با جدا کردن حساب پیامبر از حساب مسلمانان، از یک‌سو حکومت پیامبر را حکومتی اضطراری می‌دانست که با توجه به شرایط تاریخی و بستری که اسلام در آن ظهور یافت، شکل گرفت و موجودیت یافت و از سوی دیگر، منکر هرگونه حکومت اسلامی در ادوار بعد از پیامبر شد (فوده، ۱۹۸۸: ٦).

در این مقاله، با استفاده از این مبنای نظری و تقسیم‌بندی درصدد خواهیم بود تا موضع یکی از اسلام‌گرایان برجسته معاصر در کشور بحرین، شیخ عیسی قاسم را نسبت به دین و سیاست موردبررسی قرار داده و مفهوم حکومت مطلوب وی را استخراج و مورد تحلیل قرار دهیم.

۳. روش‌شناسی

در این مقاله به‌منظور بررسی اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم از روش هرمنوتیک قصد گرای اسکینر استفاده می‌کنیم. اسکینر روش خود را در خصوص اندیشه سیاسی ماکیاول (Skinner,1981) بکار برده و ارتباط آن را با زمینه‌های سیاسی و اجتماعی تطبیق نموده است. اسکینر زبان، فضای زندگی، محیط سیاسی، زمینه فکری و شرایط تاریخی را برای دستیابی به‌قصد و نیت مؤلف در نظر می‌گیرد تا با بازسازی زمینه و زمانه به رمزگشایی و فهم معنای یک اثر یا مفهوم انسانی نائل آید. اسکینر در مباحث روش‌شناسی خود و به‌خصوص در اندیشه شناسی به بازسازی تجربه زندگی و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری یک اثر یا مفهوم، معتقد است. (محمود پناهی،۱۳۹٤:۱۷٤) او مسئله اساسی خود را این‌گونه مطرح می‌کند که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

در تلاش برای فهم یک متن چه روش مناسبی باید اتخاذ نمود؟ یا به‌عبارت‌دیگر، معنای واقعی و تاریخی یک متن چگونه کشف می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال کلیدی دریافت معنای واقعی متن را کشف نیات مؤلف در تألیف آن قلمداد می‌کند. به همین ترتیب، اسکینر برای بررسی مفهوم آزادی در کتاب آزادی قبل از لیبرالیسم (Skinner,1998) بجای پرداختن به چیستی مفهوم، به تحول مفهومی آن در یک تجربه تاریخی می‌پردازد، یعنی، نحوه تحول مفهوم آزادی با نظر به جنگ‌های داخلی انگلستان در قرن هفدهم تا دوران مدرن و لیبرالیسم بررسی‌شده است.

بدین ترتیب چارچوب روش‌شناسی سه مرحله‌ای اسکینر و راهنمای خطوط بنیادینی که برای قابل‌فهم کردن اندیشه سیاسی مؤلف مورد تأکید قرار می‌دهد (نمودار۱) بدین شرح است: در مرحله اول، خواننده با متون و آثار مؤلف روبرو می‌شود و به دنبال این است تا با بازگرداندن مؤلف به جهانی که اندیشه‌های وی بدواً در آن شکل‌گرفته است، مشکلاتی که مؤلف خود را در این متون با آن‌ها روبرو می‌دید، آشکارسازی نماید. مرحله دوّم، در این راستا پژوهشگر به بازآفرینی محیط تألیف آثار، اعم از بازآفرینی محیط فکری و بازآفرینی محیط سیاسی می‌پردازد. مرحله سوّم، درنتیجه محقق به فهم نظریه‌ها و تعالیم مؤلف، یعنی فهم قصد و نیت مؤلف و ابتکارات مؤلف دست می‌یابد. این مراحل در نمودار زیر ترسیم‌شده است (محمود پناهی،۱۳۹٤:۱۷۵).

نمودار ۱: مراحل هرمنوتیک اسکینر :

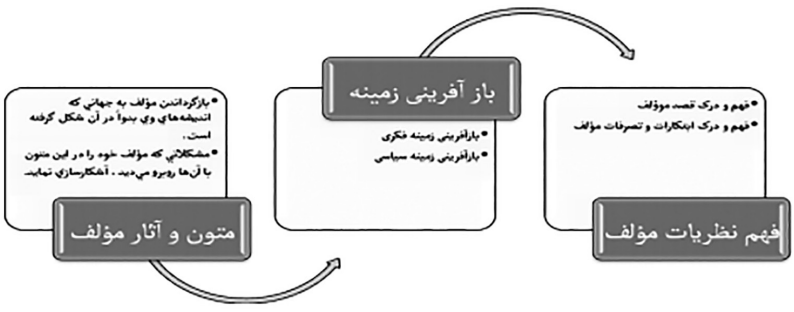

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

بنا بر استدلال‌های روش‌شناختی اسکینر، به‌عنوان‌مثال برای فهم نظریه‌ها و اندیشه‌های شیخ عیسی قاسم، باید تحولات سیاسی و اجتماعی بحرین و منطقه غرب آسیا را موردبررسی قرار گیرد تا مشکلات در زمان او باز و آشکار شود برای اینکه به چنین دیدگاهی برسیم، باید محیطی را که این آثار در آن تصنیف شده بازآفرینی کنیم: یعنی محیط فکری مشتمل بر فلسفه سیاسی و همچنین محیط سیاسی زندگی در بحرین. سپس با بررسی عیسی قاسم در زمانه و زمینه‌ای که اندیشه‌های وی بدواً در آن شکل‌گرفته، می‌توان مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی عیسی قاسم را دریافت.

البته ذکر این نکته ضروری است که با توجه به دسترسی اندک به آثار مکتوب شیخ عیسی قاسم و ایجاد محدودیت از سوی حکومت آل خلیفه، با استفاده از ابزار مصاحبه با نزدیک‌ترین شاگردان وی در ایران، بخش‌هایی از داده‌ها گردآوری و تائید شده است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۴. محیط سیاسی و اجتماعی بحرین

بعد از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱، خاندان آل خلیفه در جهت کسب مشروعیت سعی کرد به اقدامات و اصلاحات قانونی و سیاسی دست بزند. تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی در نیمه اول دهه ۱۹۷۰، در جهت قانونی ساختن حاکمیت آل خلیفه و مشارکت نسبی مردم در حکومت در این راستا بود؛ اما با مخالفت پارلمان با تصویب «قانون امنیت دولتی» در سال ۱۹۷۵، امیر بحرین، پارلمان این کشور را منحل کرد. طبق قانون امنیت دولتی، هرگونه اقدام یا موضع‌گیری علیه دولت، مخالفت با امنیت داخلی یا خارجی کشور تلقی می‌شد و حکومت اجازه داشت افراد مظنون را به‌سرعت بازداشت و بدون محاکمه زندانی کند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، نارضایتی عمومی از حکومت و سیاست‌های تبعیض‌آمیز آن به تشدید مخالفت‌ها و برخوردهای طولانی و خشونت‌بار بین نیروهای امنیتی و فعالان سیاسی انجامید (قاسمی،۱۳۸۵:۱۳۶).

بر اساس رویکرد روشی این مقاله، همان‌گونه که در این بخش بحث شد، محیط سیاسی و اجتماعی بحرین در چهار دهه گذشته نشان می‌دهد، مهم‌ترین مشکل زمانه شیخ عیسی قاسم استبداد سیاسی، فساد و ناکارآمدی سیاسی و فقر و شکاف روزافزون اجتماعی، ظلم نظام‌مند نسبت به اکثریت شیعیان بحرین و سرکوب گسترده بوده که منجر به رشد جریانات

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

اسلام‌گرای مبارز در این کشور به رهبری شیخ عیسی قاسم در این کشور شد.

همچنین در محیط خارج از بحرین، وقوع انقلاب اسلامی ایران و گسترش اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه در چند دهه و آغاز موج جدید بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ بدین سو و هم‌زمان افزایش مداخلات استکبار جهانی و عربستان سعودی در بحرین جهت سرکوب حرکت‌های آزادی‌خواهانه ازجمله عوامل محیطی بوده‌اند که در اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم تأثیرگذار بوده‌اند.

لذا، با توجه به اهمیت بالای شخصیت شیخ عیسی قاسم در سپهر سیاسی و اجتماعی بحرین در چند سال اخیر، خصوصاً پس از موج جدید بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ این کشور، در قسمت بعدی به شناخت عمیق‌تر و تبیین آرا و اندیشه‌های سیاسی وی می‌پردازیم.

۵. آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم

آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم در سال ۱۹۳۷ در روستای الدراز بحرین به دنیا آمد. وی از دوران کودکی در میان هم سن و سالان خود و بزرگان بحرین به ذکاوت، تقوا و پایبندی به احکام دین شهره بود. از همان دوران کودکی به فراگیری قرآن پرداخت. در سال ۱۹۵۹ به عرصه آموزش ورود یافت و به تدریس درس زبان عربی و درس تربیت اسلامی پرداخت. وی رابطه بسیار دوستانه و صمیمی با شاگردان خود داشت. در سال ۱۹۶۲، در کنار شغل معلمی، به همراه دوست خود، مرحوم شیخ عباس الریس به حوزه راه‌یافته و توسط آیت‌الله سید علویّ الغریفی به آموزش دروس حوزوی پرداخت.

پس از استقلال بحرین در آگوست ۱۹۷۱، جمعی از شخصیت‌های بارز و مؤمنان سرشناس بحرین از آیت‌الله شیخ عیسی قاسم و سید عبدالله الغریفی خواستند تا وی به بحرین بازگشته و برای انتخابات مجلس کاندید شوند. وی به همراه آیت‌الله الغریفی در سال ۱۹۷۲، دو روز مانده به انتخابات مجلس، به بحرین بازگشت و در انتخابات مجلس تأسیسی شرکت کرد و با بالاترین رأی به مجلس تأسیس ورود یافت. وی در مجلس، به کمک گروه اسلام‌گرایان توانست بسیاری از احکام اسلامی را به درون قانون اساسی تأسیسی وارد کنند (بی‌نا، ۲۰۱٤: ۳۹-٤۱). در همان سال، شیخ عیسی قاسم اقدام به تشکیل جمعیة التوعیة الإسلامیة بحرین به‌عنوان اولین و بزرگ‌ترین جمعیت مردمی در منطقه خلیج‌فارس کردند. هدف از تشکیل

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

جمعیت التوعیهٔ الإسلامیهٔ، مقابله بانفوذ ملی‌گرایان و گروه‌های کمونیستی و چپ در بحرین بود. در آن بازه زمانی، بحرین بهشت گروه‌های چپ به شمار می‌رفت. جمعیت التوعیهٔ به ریاست شیخ عیسی قاسم (۱۹۷۲-۱۹۸۳) توانست با این گروه‌ها و برنامه‌های فکری آنان مواجه شود، هم در عرصه اجتماعی در جامعه بحرین و هم در عرصه سیاسی در مجلس (بی‌نا، ۲۰۱٤: ٤۳).

شیخ عیسی قاسم و دیگر اسلام‌گرایان بانفوذ بحرینی برای پیشبرد اهداف اسلامی خود در جامعه، از طریق جمعیت التوعیهٔ الاسلامیهٔ اقدام به فعالیت‌های فرهنگی می‌کردند اما این جمعیت نیز در سال ۱۹۸٤، از سوی نظام منحل گردید و فعالین سیاسی، فکری و اجتماعی آن بازداشت و شکنجه شدند اما شیخ عیسی قاسم به دلیل جایگاه و محبوبیت ویژه‌ای که در میان مردم داشت، مورد تعرض نظام بحرین قرار نگرفت بلکه از سفر به خارج از بحرین محروم و بازجویی شد (بی‌نا، ۲۰۱٤: ٤۳).

همان‌گونه که در بخش روش‌شناسی مقاله تبیین شد، محیط اجتماعی و سیاسی با اندیشه سیاسی متفکر در تعامل است. در نگاه اسکینر، فضای زندگی، محیط سیاسی، زمینه فکری و شرایط تاریخی برای دستیابی به‌قصد و نیت مؤلف بسیار ضروری است تا با بازسازی زمینه و زمانه به رمزگشایی و فهم معنای یک اثر یا مفهوم انسانی نائل آییم. شرح مختصر زندگی شیخ عیسی قاسم مبین آن است که سرکوب و ظلم سیاسی آل خلیفه و نادیده انگاشتن آزادی‌های اساسی مردم بحرین توسط حکام بحرینی و فشار آل خلیفه بر گروه‌ها و افراد فعال سیاسی و درنتیجه مهاجرت اجباری شیخ عیسی قاسم به ایران و شهر مقدس قم و آشنایی وی با اندیشه‌های سیاسی شیعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تأثیر بسزایی در شکل‌گیری اندیشه سیاسی وی و نوع حکومت مطلوب مدنظر او برای آینده بحرین داشته است. در ادامه به بررسی اندیشه سیاسی عیسی قاسم و حکومت مطلوب وی خواهیم پرداخت.

۶. اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم

برای فهم اندیشه سیاسی اندیشمندان بایستی به آراء آنان در نوشته‌ها یا گفتارهای ایشان در متن زمانه آنان رجوع کرد. آیت‌الله شیخ عیسی قاسم به‌عنوان رهبری که همواره نقش بسیار مؤثری در جامعه بحرین داشته است و هر تحول اجتماعی مردمی در دوران معاصر، با جهت‌دهی‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

ایشان صورت پذیرفته است، آراء و اندیشه‌های خود را در خطبه‌های نماز جمعه بیان کرده است. وی با تأکید ویژه‌ای که به تعامل تنگاتنگ دین و سیاست دارد، خطبه‌های نماز جمعه را تنها به امور دینی و اجتماعی منحصر نکرده، بلکه امور سیاسی جامعه خود را نیز در آن موردبررسی قرار داده است و اندیشه خود نسبت به این امور را بیان کرده است. بامطالعه خطبه‌های نماز جمعه ایشان از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱٤، مشخص می‌گردد که مفاهیمی دینی- سیاسی همچون، «حکومت»، «دین و سیاست»، «ملت»، «رهبری»، «مردم‌سالاری»، «اصلاحات» و «قانون‌گذاری» پرتکرارترین مفاهیمی هستند که ایشان در خطبه‌های نماز جمعه به آن پرداخته است. درواقع این مفاهیم سپهر اندیشه‌ای ایشان را تشکیل می‌دهد. برای درک دقیق اندیشه سیاسی اسلامی شیخ عیسی قاسم، به واکاوی کلام وی در خطبه‌های نماز جمعه می‌پردازیم.

۱،٦. ماهیت سیاست

آیت‌الله قاسم با بهره‌گیری از اندیشه توحیدی، اساس تفکرات سیاسی خویش را بر مبنای آن تعریف می‌کند و حل مشکلات جامعه بشری و به‌ویژه مردم و کشور بحرین را بر آن مبتنی می‌داند (آجیلی،۱۳۹۵:۳)

او ماهیت سیاست را با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، جزئی از نظام تکوین و تشریع الهی می‌داند و در تبیین ارتباط سیاست با نظام تکوین می‌گوید: مسئله سیاست در اسلام، جزئی از نظام کامل تکوین است؛ رشته‌ای از بافتی متکامل است؛ از بافتی که ساخت خداوند است؛ نظامی که دست قدرت الهی آن را ابداع کرده است (عیسی قاسم، ۱٤۲۲ق: خطبه جمعه ۲ صفر). آیت‌الله قاسم پس‌ازاینکه سیاست را با نظام تکوین گره می‌زند از دیدگاه تشریع نیز سیاست را به قوانین الهی و در گروی اوامر و نواهی خدای متعال وابسته می‌داند. ازنظر وی هیچ معبودی در حیطه تشریع و در حیطه حکومت و در گستره پیروی از اراده دیگران نیست مگر خداوند و هیچ الوهیتی نیست مگر برای خدای تبارک‌وتعالی و الوهیتی نیست مگر برای خدای سبحان و متعال، پس این به انحصار ولایت تشریعی و ولایت در حکومت برمی‌گردد(عیسی قاسم، ۱٤۲۲ ق: خطبه جمعه ۲ صفر).

۲،٦. نسبت دین و سیاست

نسبت دین و سیاست از مسائل مهمی است که در کانون توجه آیت‌الله قاسم قرار دارد.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

او همواره مردم را از خدعه دشمن در تلاش برای فاصله انداختن میان این دو مفهوم مهم و تأثیرگذار در افق سیاسی کشور، آگاه کرده است. شیخ عیسی قاسم با استدلال بر ادله عقلی و نقلی بر پیوند دین و سیاست را از ارکان اصلی مکتب اهل‌بیت برمی‌شمارد. وی معتقد است که در اسلام تنها یک طرح سیاسی وجود دارد که آن نیز مورد اختلاف مکتب اهل‌بیت و اهل حل و عقد شده است. مکتب اهل‌بیت بر عدم تفکیک سیاست دین و دنیا قائل بوده و عصمت را شرط امام و اولیاءالله می‌داند. وی بر این باور است که برای پیروزی سیاست دنیوی بایستی امام از سوی خداوند تعیین گردد چراکه تنها خداوند بر عصمت امام آگاه است (قاسم، ۲۰۱۱/۱۲/۱٦).

بر اساس روش تحلیل اندیشه‌ای مقاله، شیخ عیسی قاسم با توجه به گسترش اندیشه جدایی دین از سیاست در منطقه و کشور بحرین، تلاش دارد تا به روشنگری آثار سوء این تفکر بپردازد. وی بنا بر پیوند دین و سیاست، رد انتخابات پارلمانی سال ۱۹۷۳، مسلمانان اهل سنت را بر شیعیان سکولار ترجیح می‌داد. وی در انتخابات نمایندگان مجلس اسلام را اصل قرارداد و معتقد بود که کاندیداهای اهل سنت که بر اسلام پایبند هستند بر شیعیان سکولاری که قائل به جدایی دین از سیاست هستند اولویت‌دارند (المرزوق، ۲۰۱٤: ۱٦۹). آیت‌الله قاسم معتقد است که در دوران معاصر، به دلیل گستردگی دانش و علوم مختلف، هرلحظه امکان سردرگمی فرزندان مسلمان می‌شود، لذا آنان ابتدا بایستی اندیشه اسلامی را به‌خوبی مطالعه کنند تا از این بعد تغذیه شوند، سپس سراغ علوم دیگر بروند. در مطالعه اندیشه اسلامی نیز می‌بایست موضوعات را تقسیم‌بندی کرده و بنا بر اولویت‌سنجی به مطالعه آنان پرداخت، مثلاً ابتدا خداشناسی به‌خوبی مطالعه و بررسی شود، سپس به سراغ فلسفه عبادات روزانه و امربه‌معروف و نهی از منکر رفت (خاتم، ۲۰۱٤: ۲۱۰–۲۱۱).

۳،٦. در باب حکومت

شیخ عیسی قاسم حکومت را از حقوق مهمی می‌داند که برای دستیابی به آن بایستی تلاش کرد. برخی مواقع نیاز است که جهت نیل به حکومت سکوت اختیار کرد، اما در مواقعی که امکان ایجاد حکومت اسلامی وجود دارد سکوت جایز نیست و اقامه حکومت اسلامی واجب می‌شود. وی بیان می‌دارد که اگر مسلمانان توانایی برپایی حکومت اسلامی را داشته باشند، بر آنان واجب می‌شود تا به این اقدام مبادرت ورزند اما اگر شرایط برای برپایی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

حکومت اسلامی وجود نداشت، مسلمانان بایستی همان میزان از احکام اسلامی که در جامعه وجود دارد را حفظ کنند (الخضران، ۲۰۱٤: ۱۲٤).

۱،۳،٦حکومت موروثی

شیخ عیسی قاسم در خطبه‌های نماز جمعه به‌شدت بر حکومت موروثی تاخته و آن را بدعت حکومت امویان معرفی می‌کند. وی حکومت موروثی را همانند توپی در دستان بچه‌ها معرفی می‌کند که خاندان اموی از بدو تسلط بر خلافت، آن را به‌سوی همدیگر پرتاب کردند. شیخ عیسی حکومت موروثی را حکومتی غیر اسلامی می‌داند که اکثر کشورهای مسلمان عربی آن را ساختار سیاسی حاکم خود قرار داده‌اند. وی بر این اعتقاد است که حکومت موروثی نه بر طبق نظریه امامت و نظریه شورا به اسلام مرتبط می‌شود و نه با نظریه نظام دموکراتیک سازگار است. شیخ عیسی قاسم حکومت موروثی را حکومتی ساختگی توسط امویان دانست که پس‌ازآن، عباسیان و عثمانی‌ها نیز برای اینکه همیشه بر انسان‌ها حکومت کنند، نظام سیاسی خود را بر طبق آن ساختار ایجاد کردند. وی مکتب اهل‌بیت را کاملاً دور از این ساختار سیاسی دانست و بیان داشت که امامت ائمه اطهار به سبب پیش‌بینی و سفارشی بود که پیامبر اکرم (ص) قبل از تولد بسیاری از آنان بیان داشته بود، نه به سبب اینکه آنان فرزندان امام علی (ع)، رهبر مسلمانان بودند (قاسم، ۲۰۱۱/۱۲/۱٦).

با عنایت به روش تحلیلی مقاله، این دیدگاه شیخ عیسی قاسم اشاره به حکومت موروثی آل خلیفه دارد که آیت‌الله قاسم در جمع عمومی این نوع حکومت گری را به چالش کشیده و آن را مخالف اسلام و حتی دموکراسی جلوه می‌دهد.

۲،۳،٦. حکومت و مردم

آیت‌الله عیسی احمد قاسم مناصب حکومتی امروزی را به‌مثابه خلافت ظاهری می‌داند و بر این باور است که قبول خلافت غیر معصوم به معنای عدم توحید حقیقی است. وی پیشنهاد می‌دهد که علماء بایستی روش‌های توحیدی حکومت را پیشنهاد دهند، زیرا آنان ورثه انبیا هستند (الخضران، ۲۰۱٤: ۱۱۹). شیخ عیسی قاسم معتقد است که حکومت‌ها و مردم با دو زبان مختلف با یکدیگر سخن می‌گویند. حکومت‌های سیاسی با زبان حقارت و کوچک شمردن مردم سخن می‌گویند و مردم نیز با زبان هیهات منا الذلة پاسخ می‌دهند. از نظر وی حکومت‌ها می‌خواهند که مردم یا تسلیم آنان شوند و یا اینکه به لحاظ جسمی،

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

اندیشه‌ای، اراده‌ای و انسانی به اضمحلال بروند. حکومت‌ها می‌خواهند تا مردم از آزادی خود صرف‌نظر کرده و خواری و ذلت و فقر و نادانی و بیماری را بپذیرند. قدرت اجرایی این نقشه، ثروت‌های ملی، نیروهای نظامی، دستگاه‌های اطلاعاتی، زندان‌های مخوف، نیروهای تسلیحاتی، رسانه و روزنامه‌های هم‌جهت و بسیاری از امکانات دیگر است. از سوی دیگر، مردمی که سال‌ها متحمل این سختی‌ها شده بودند و در خواب‌ترس به سر می‌بردند، امروزه بیدار شده، غبار ترس و غفلت از خود پاک‌کرده و به مقابله با این حکومت‌ها برخاسته‌اند. آنان مرگ را بر سرسپردگی ترجیح داده و شعار هیهات منا الذلة سر می‌دهند (۲۰۱۱/۱۰/۱٤).

٤,٦. حکومت اسلامی

شیخ عیسی قاسم تشکیل حکومت اسلامی را واجب می‌داند و نقش فقیه را ضروری و اطاعت از آن را واجب می‌داند. وی بیان می‌دارد که اگر پیامبر یا امام یا فقیه خود را حاکم معرفی کرد، بنا بر ولایتی که دارد باید شرعاً حکومت او را پذیرفته و با او بیعت کرد (الخضران، ۲۰۱٤: ۱۲٤-۱۲۵). حکومت فقیه مبتنی بر قانون اساسی و احکام اسلامی است، لذا تصمیمات و اختیارات فردی و استبدادی در آن اتخاذ نمی‌شود. حکومت فقیه حکومت فرد مستبد عادل نیست بلکه حکومت فرد عادل قانون پذیر است. قانونی که فقیه از آن پیروی می‌کند، اسلام و احکام اسلامی است. فرد فقیه به تخصص و توانایی در اداره امور حکومت شهرت دارد (قاسم، ۲۰۰۵/۱/۲۱).

۷. حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم

آیت‌الله قاسم، نوع اختیار نظام سیاسی را از دید تکوینی و تشریعی دارای تفاوت می‌داند و گرچه انسان تکوینا قادر به انتخاب هرگونه حکومتی برای اداره جامعه خویش است، شرعاً این کار غیرمجاز است و اسلام از انسان قبول نمی‌کند مگر اینکه نظام سیاسی او را مبتنی بر نظریه اسلامی برگزیند (عیسی قاسم، ۱٤۲۵ق: خطبه جمعه ۳ ذی‌الحجه).

لذا، با توجه به‌نظام اندیشه‌ای توحیدی شیخ عیسی قاسم و ضرورت پیوند دین اسلام و سیاست از نگاه وی و همچنین ضرورت تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه (در دوره غیبت امام زمان (ع)) به نظر می‌رسد حکومت مطلوب ایشان در عصر حاضر که می‌تواند به‌طور مطلق، مشکلات جامعه را برطرف و نیازها را تأمین کند، حکومت اسلامی به رهبری

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

ولایت‌فقیه است. این موضوع در مصاحبه با شیخ عبدالله الدقاق، نماینده شیخ عیسی قاسم در ایران نیز تائید شده است.

اگر با نگاه اسکینر به موضوع حکومت مطلوب نظری بیفکنیم، الدقاق معتقد است حکومت مطلوب شیخ عیسی قاسم در بعد نظری، حکومت اسلامی به رهبری ولایت‌فقیه است، اما آنچه وی در دوران جنبش ١٤ فوریه به دنبال تحقق آن با توجه به ظرفیت‌های موجود در بحرین بود، حکومت پادشاهی مشروطه بود. ازنظر شیخ الدقاق، سه مشخصه بارز اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم به شرح ذیل است (الدقاق، ١٣٩٦/٧/٢٧):

١. ایمان به ولایت مطلقه فقیه و پیروی از آن.

٢. ایمان به‌حق مردم و مشورت با آنان.

٣. اصالت فکر و دوراندیشی.

شیخ عیسی قاسم نظریه ولایت‌فقیه را در عرصه نظر در حوزه‌های علمیه تدریس می‌کرد و در عرصه عمل نیز در خطبه‌های نماز جمعه آن را موردحمایت قرار می‌داد. او در خطبه‌های نماز جمعه به‌صورت غیرمستقیم به ولایت‌فقیه و امام خمینی (رضی) دعا می‌کرد. دعای غیرمستقیم به ولایت‌فقیه و امام خمینی (رضی) چندین به مذاق نظام خوش نمی‌آمد (قاسم، ٢٠٠٥/٤/١).

٨. جایگاه رهبری در حکومت اسلامی

آیت‌الله شیخ عیسی قاسم بر این باور است که رهبری دینی ضرورتی از ضرورت‌های زندگی انسان در عرصه‌های مختلف است؛ چراکه ضامن تحقق ارزش‌های اسلامی و اهداف ربانی و حفاظت از آن‌هاست (السماک، ٢٠١٥: ١٧). ازنظر وی، رهبر در حکومت اسلامی دارای سه وظیفه بنیادین است (همان):

١. محافظت از نظم جامعه از طریق رهبری سیاسی

٢. اجرای قوانین الهی

٣. حفظ دین از تحریف

ازنظر عیسی قاسم، تنها فردی که می‌تواند این سه وظیفه را به‌طور کامل و دقیق و بدون هیچ نقصانی انجام دهد، معصوم است زیرا او در تشخیص احکام و قوانین الهی و اجرای

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

آنان مصون از خطاست؛ همانند امام یا پیامبر. این در حالی است که فرد مجتهد برخی مواقع در اندیشه‌ها و تصمیمات خود دچار خطا می‌شود. آیت‌الله قاسم، پس از معصوم، فقیه را مناسب‌ترین فرد جهت رهبری جامعه اسلامی می‌داند. وی «توحید» و «ارزش‌های اسلامی» را از ملاک‌های بنیادین انتخاب رهبری می‌داند، لذا بر این باور است که پس از معصوم، فقیه بهترین شخص جهت اداره جامعه مسلمین است و نه روشنفکران غرب‌زده (السماک، ۲۰۱۵: ۲۹-۳۰). وی معتقد است که افراد جامعه جهت اطمینان شدن در وظایف دینی و اسلامی خود در جامعه، می‌بایستی از فقیهی که در دوران غیبت کبری، از سوی امام معصوم مأمور به اداره جامعه شده است، اطاعت کنند زیرا اطاعت از فقیه به‌مثابه اطاعت از امام معصوم است. آیت‌الله قاسم امامت جماعت را کوچک‌ترین منصب رهبری می‌دانند و معتقدند که فقه شیعه در رابطه با شرایط امام جماعت شروط نسبتاً سختی دارد لذا شروط رهبری جامعه مسلمین به‌مراتب دشوارتر از شروط امام جماعت است (السماک، ۲۰۱۵: ۲۵و۳۳).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۹. جایگاه مردم در حکومت اسلامی

آیت‌الله عیسی قاسم در ترسیم حکومت مطلوب خود نقش ویژه‌ای برای مردم قائل است. وی مردم را رمز موفقیت رهبر امت اسلامی در پیشبرد برنامه‌ها و رسیدن به اهداف ترسیم‌شده می‌داند. وی مردم را به‌مثابه شمشیری در دست رهبر می‌داند که بدون آنان موفقیت ممکن نیست و در صورت نیل به موفقیت، بدون مردم ادامه این موفقیت‌های ممکن نخواهد بود. مردم جهت موفقیت آفرینی نیازمند منبعی آگاه، راهنما، پیامبر، فقیه و سکان‌دار هستند. در صورت نبود رهبری، ممکن است که مردم به‌سوی هدف ناصواب و انحراف هدایت شوند. رهبر برای مردم به‌مثابه دژ و دیواری مستحکم جهت جلوگیری از آسیب‌ها و انحرافات بیرونی است. در صورت نبود رهبر، امام، پیامبر و هدایت‌کننده در جامعه، مردم ممکن است هرکدام به‌سوی انحراف یابند (السماک، ۲۰۱۵: ٤٠).

درمجموع بر اساس روش تحلیلی مقاله، مهم‌ترین مشکل زمانه شیخ عیسی قاسم استبداد سیاسی، فساد و ناکارآمدی سیاسی و فقر و شکاف روزافزون اجتماعی، ظلم نظام‌مند نسبت به اکثریت شیعیان بحرین و سرکوب گسترده بوده که منجر به رشد جریانات اسلام‌گرای مبارز در این کشور به رهبری شیخ عیسی قاسم شد.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

همچنین در محیط خارج از بحرین، وقوع انقلاب اسلامی ایران و گسترش اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه در چند دهه و آغاز موج جدید بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ بدین سو و هم‌زمان افزایش مداخلات استکبار جهانی و عربستان سعودی در بحرین جهت سرکوب حرکت‌های آزادی‌خواهانه ازجمله عوامل محیطی بوده‌اند که در اندیشه سیاسی شیخ عیسی قاسم تأثیرگذار بوده‌اند.

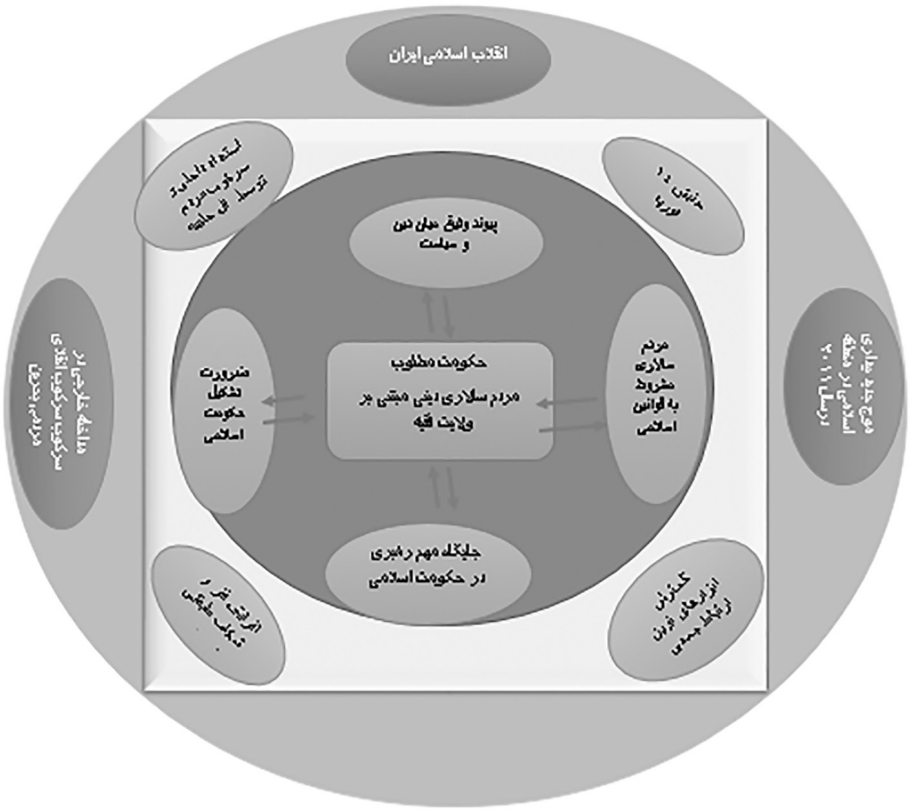

پس از بررسی محیط، با بازخوانی اندیشه سیاسی وی در باب حکومت مطلوب به‌صورت ذیل خلاصه آنچه تشریح شد ارائه می‌شود: در این تصویر محیط خارجی و داخلی به رنگ زرد و نارنجی و همچنین اندیشه آیت‌الله عیسی قاسم به رنگ سبز نشان داده‌شده است.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

۱۰. نتیجه‌گیری

شیخ عیسی قاسم با بهره‌گیری از اندیشه توحیدی، اساس تفکرات سیاسی خویش را تعریف می‌کند و حل مشکلات جامعه بشری و به‌ویژه مردم و کشور بحرین را بر آن مبتنی می‌داند. او ضمن تأکید بر پیوند وثیق میان دین و سیاست، ماهیت سیاست را با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، جزئی از نظام تکوین و تشریع الهی می‌داند. شیخ عیسی قاسم حکومت را از حقوق مهمی می‌داند که برای دستیابی به آن بایستی تلاش کرد. وی معتقد است اگر مسلمانان توانایی برپایی حکومت اسلامی را داشته باشند، بر آنان واجب می‌شود تا به این اقدام مبادرت ورزند اما اگر شرایط برای برپایی حکومت اسلامی وجود نداشت، مسلمانان بایستی همان میزان از احکام اسلامی که در جامعه وجود دارد را حفظ کنند.

با توجه به روش مختار مقاله در تبیین اندیشه سیاسی، محیط اجتماعی و سیاسی با اندیشه سیاسی متفکر در تعامل است. با توجه، لذا، با توجه به‌نظام اندیشه‌ای توحیدی شیخ عیسی قاسم و ضرورت پیوند دین اسلام و سیاست از نگاه وی و همچنین ضرورت تشکیل حکومت اسلامی توسط فقیه (در دوره غیبت معصوم) به نظر می‌رسد حکومت مطلوب ایشان در عصر حاضر که می‌تواند به‌طور مطلق، مشکلات جامعه را برطرف و نیازها را تأمین کند، حکومت اسلامی به رهبری ولایت‌فقیه است.

البته حکومت مطلوب آیت‌الله قاسم در عرصه نظر است اما آنچه در عرصه عمل برای وی و مردم بحرین امکان‌پذیر بود، پادشاهی مشروطه است که در آن از اختیارات پادشاه کاسته شده و بر اختیارات مردم افزوده گردد. آرمانی تشکیل حکومت اسلامی از یک‌سو و سرکوب انقلاب مردمی توسط حکومت آل خلیفه و نیروهای عربستان، موجب شد تا در این مقطع تاریخی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم به اصلاحات رضایت دهد و آن را هدف انقلاب بداند. وی در نظر دارد تا با انجام اصلاحات سیاسی از سوی نظام، مردم به حقوق خود دست یابند.

حکومت بحرین سعی دارد تا قیام بیداری اسلامی مردم بحرین در سال ۲۰۱۱ را مهار کند. حکومت بحرین رفتارهای متفاوت و تا حدی متعارض را در قبال قیام مردمی از خود به نمایش گذاشته است. در رویکرد حکومت بحرین طیفی متنوع از رفتارها، از رویکرد مسالمت‌آمیز و اعلام تمایل به گفت‌وگو با مخالفان تا سرکوب شدید و ایجاد رعب و وحشت میان مردم معترض وجود داشته که البته هرکدام از این رفتارها در دوره‌های متفاوت و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

جداگانه‌ای از قیام مردمی بروز کرده است. دوراندیشی آیت‌الله شیخ قاسم موجب گردید که با توجه به رفتار حکومت، او در ایام انقلاب، اصلاحات را بهترین گزینه برای مردم و نظام بداند.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

منابع

الف. فارسی

۱. آدمی، علی (۱۳۹۱) «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ٦٢ تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، از ١٤١ تا ١٦٨.

۲. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰) «رفتارشناسی بازیگران تحولات بحرین»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ٤٥، از ٦٣ تا ٩٢.

۳. آشوری، داریوش (١٣٦٦) دانشنامه سیاسی، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید.

٤. آقا بخشی، علی (۱۳۸۹) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.

٥. بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۸۵) «اسلام سیاسی و جهانی‌شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۱.

٦. بشیریه، حسین (١٣٧٦) تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران، نشر نی.

۷. بیگی، علیرضا (۱۳۹۵) تاریخ و مبانی سیاه آل خلیفه، قم، نشر شهید کاظمی.

۸. درخشه، جلال و نجاتی آرانی، حمزه (۱۳۹۰) تحلیل جنبش‌های بیداری اسلامی در چهارچوب تطور گفتمان اسلام‌گرایی، دو فصلنامه علمی –پژوهشی جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۲، شماره ۲، از ۳۹ تا۵۷.

۹. حاتمی، محمدرضا و بحرانی، مرتضی (۱۳۹۲) دائرةالمعارف جنبش‌های اسلامی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۰. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۳) «گونه شناسی ارتباط دین و سیاست در اندیشه سیاسی شیعه»، فصلنامه علمی – پژوهشی نامه مفید، سال دهم، شماره ٤٤.

۱۱. خواجه‌زاده، اسما (١٣٩٤) آیت‌الله قاسم؛ رجل اصلاح و سلام: استقامه، ثبات، سلمیه، چاپ اول، قم، نشر معارف.

۱۲. سیدامامی، کاووس و رکوعی، ایمان (۱۳۹۳) «شناسایی آینده‌های ممکن پیش روی اسلام‌گرایی با استفاده از روش تحلیل ریخت‌شناسی»، فصلنامه علمی–پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ٢٦، از ٦٧ تا ٩٠.

۱۳. الشعله، عادل (١٣٩٦) اصول و ویژگی‌های جامعه پیشرفته از دیدگاه آیت‌الله عیسی قاسم، (ترجمه حجت‌الله فسنقری و ام‌البنین قزلسفلو)، قم، نشر معارف.

١٤. قاسمی، صفت اله (۱۳۸۵) «وضعیت شیعیان در بحرین»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال ۷، شماره ۲۸، از ۱۳۵ تا ١٦٠.

۱۵. محمودپناهی، سید محمدرضا (١٣٩٤) «بررسی روش‌شناسی هرمنوتیک قصدگرای اسکینر»، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره دوم، شماره سوم، تابستان، از ١٤٥ تا ١٧٨.

١٦. معین، محمد (۱۳۷۵) فرهنگ فارسی، ج ۱ و ۳، چاپ دهم تهران، امیرکبیر.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

۱۷. نوروزی، ایمان (۱۳۹٤) انقلاب کرامت در بحرین، چاپ اول، زمستان، قم، نشر معارف.
۱۸. هاشمی نسب، سید سعید (۱۳۸۹) «بحران بحرین»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، قم، جامعه المصطفی العالمیه.

ب-منابع عربی

۱۹. الخضران، عزیز حسن (۲۰۱٤) «النظرة التوحیدیة فی مشروع الشیخ، مجموعة حوارات مع ملازمی الشیخ فی مفاصل حیاته المتعاقبة»، رسالة القلم، اسلامیة ثقافیة شاملة، عدد الخاص، حول القائد آیت‌الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة – ربیع الثانی، ۱٤۳۲ه، ۲۰۱٤ فبرایر، مکتبة فدک، قم المقدسة، الجمهوریة الإسلامیة فی إیران، ص ۵ الی ۳۷.
۲۰. الراشد، راشد (بی‌تا) البحرین، مسیرة شعب یبحث عن الهویة و الحریة و الکرامة، بی‌جا.
۲۱. السندی، سید مرتضی (۱۳۹٦) رنج و امید، ترجمه علیرضا بیگی، چاپ اول، قم، نشر شهید کاظمی.
۲۲. ٤. العکری، عبدالنبی (۲۰۱۲) دور حرکة الإسلامیة فی انتفاضه ۱٤ فبرایر، لندن، مرکز البحرین للدراسات فی لندن.
۲۳. المرزوق، حسین فؤاد (۲۰۱٤) «شذرات من السیرة العطرة للشیخ عیسی أحمد قاسم، مجموعة حوارات مع ملازمی الشیخ فی مفاصل حیاته المتعاقبة»، رسالة القلم، اسلامیة ثقافیة شاملة، عدد الخاص، حول القائد آیت‌الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة – ربیع الثانی، ۱٤۳۲ه، ۲۰۱٤ فبرایر، مکتبة فدک، قم المقدسة، الجمهوریة الإسلامیة فی إیران، ص ۵ الی ۳۷.
۲٤. المرزوق، حسین فؤاد (۲۰۱٤) «الشیخ عیسی قاسم و التجربة البرلمانیة الاولی (مواقف و صور)، مجموعة حوارات مع ملازمی الشیخ فی مفاصل حیاته المتعاقبة»، رسالة القلم، اسلامیة ثقافیة شاملة، عدد الخاص، حول القائد آیت‌الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة – ربیع الثانی، ۱٤۳۲ه، ۲۰۱٤ فبرایر، مکتبة فدک، قم المقدسة، الجمهوریة الإسلامیة فی إیران، ص ۱۳۳ الی ۱۹۷.
۲۵. المرشد، عباس و الخواجه، عبدالهادی (۲۰۰۸) التنظیمات و الجمعیات السیاسیة، فرادیس للنشر و التوزیع، مملکة البحرین.
۲٦. النعیمی، عبدالرحمن (۲۰۰٤) الأزمة الدستوریة فی البحرین، دار الکنوز الأدبیة، بیروت، لبنان.
۲۷. بوصفوان، عباس (۲۰۱۲) ربیع البحرین، حصاد الساحات، الطبعة الثانیة، مرآة البحرین، ص ۵۰۱ تا ۵۰۷.
۲۸. بی‌نا (۲۰۱٤) «عطاء و مسیرة جهاد، ترجمة مختصرة لسماحة آیت‌الله الشیخ عیسی قاسم، رسالة القلم، اسلامیة ثقافیة شاملة»، عدد الخاص، حول القائد آیت‌الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة ربیع الثانی، ۱٤۳۲ه، ۲۰۱٤ فبرایر، مکتبة فدک، قم المقدسة، الجمهوریة الإسلامیة فی إیران، ص۳۸ الی ٤۹.
۲۹. بی‌نا (۲۰۱۲) «الإحتلال العسکری لمجمع السلمانیة الطبی»، ربیع البحرین، حصاد الساحات ۲۰۱۲، الطبعة الثانیة، مرآة البحرین، ص ٤٤۹ تا ٤۵۷.
۳۰. بی‌نا (۱۹۹۷) الحرکة الدستوریة، نضال شعب البحرین من أجل الدیمقراطیة، الطبعة الاولی، اکتوبر ۱۹۹۷، بحرین، دار الوحدة الوطنیة.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

۳۱. خاتم، محمدعلی (۲۰۱٤) «ممن نأخذ الدین و الفکر الدینی، فی نظر شیخ عیسی احمد قاسم، رسالة القلم، اسلامیة ثقافیة شاملة»، عدد الخاص، حول القائد آیت‌الله قاسم، العدد الثامن الثلاثون، السنة العاشرة □ ربیع الثانی، ۱٤۳۲ه، ۲۰۱٤ فبرایر، مکتبة فدک، قم المقدسة، الجمهوریة الإسلامیة فی إیران، ص ۲۰۹ الی ۲۲۲.

ج-مصاحبه

۳۲. الدقاق، عبدالله، (۱۳۹٦/۷/۲۷)، اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
۳۳. الدقاق، عبدالله، (۱۳۹٦/٤/۲)، تاریخ شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در بحرین، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
۳٤. الراشد، راشد، (۱۳۹٦/٦/۱۵)، نقش تیار العمل الإسلامی در جنبش ۱٤ فوریه بحرین، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
۳۵. السندی، سید مرتضی السندی، (۱۳۹٦/۵/۷). نقش تیار الوفاء الإسلامی در جنبش ۱٤ فوریه بحرین، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.

د. انگلیسی

36. Skinner, Quentin (1981), Machiavelli: A Very Short Introduction, New York: Oxford University Press.
37. Skinner, Quentin (1998), Liberty before liberalism, Cambridge, Cambridge University Press

هـ سایت‌های اینترنتی

۳۸. آلبوغبیش، عبداله (۱۳۸۹)، چالش‌های انتخابات بحرین، تاریخ مشاهده ۱۳۹۷/٤/۱۲، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://hamshahrionline.ir/details/118953/world/persiangulf
۳۹. قاسم، عیسی، (۲۰۰۵/۹/۹)، خطبة الجمعة (۲۱۱) بتاریخ ٤ شعبان ۱٤۲٦ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/٤، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2005/09/1491/
٤۰. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۱۲/۱٦)، خطبة الجمعة (٤۸۲)، بتاریخ ۲۱ محرم ۱٤۳۳ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/٤، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/12/2125/
٤۱. قاسم، عیسی، (۲۰۱۱/۱۲/۳۰)، خطبة الجمعة (٤۸٤)، بتاریخ ۵ صفر ۱٤۳۳ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/٤، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/12/2129/

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

٤٢. قاسم، عیسی، (٢٠١١/١٠/١٤)، خطبة الجمعة (٤٧٣)، بتاریخ١٥ ذوالقعده ١٤٣٢ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٤، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/10/2107/

٤٣. قاسم، عیسی، (٢٠١١/٢/١١)، خطبة الجمعة (٤٣٨)، بتاریخ ٧ ربیع الأول ١٤٣٢ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٤، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/02/2032/

٤٤. قاسم، عیسی، (٢٠١١/١١/٤)، خطبة الجمعة (٤٧٦)، بتاریخ ٧ ذوالحجة ١٤٣٢ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٤، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/11/2113/

٤٥. قاسم، عیسی، (٢٠١١/١١/٤)، خطبة الجمعة (٤٧٤)، بتاریخ ٢٢ ذوالقعدة ١٤٣٢ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٥، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/10/2109/

٤٦. قاسم، عیسی، (٢٠١١/١٠/٢٨)، خطبة الجمعة (٤٧٥)، بتاریخ ٢٩ ذوالقعدة ١٤٣٢ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٥، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/10/2111/

٤٧. قاسم، عیسی، (٢٠١١/٩/١٦)، خطبة الجمعة (٤٦٩)، بتاریخ ١٧ شوال ١٤٣٢ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٥، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/09/2099/

٤٨. قاسم، عیسی، (٢٠١١/٩/٢٣)، خطبة الجمعة (٤٧٠)، بتاریخ ٢٤ شوال ١٤٣٢ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٥، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2011/09/2101/

٤٩. قاسم، عیسی، (٢٠٠٣/٨/٢٢)، خطبة الجمعة (١٢٥)، بتاریخ ٢٣ جمادی الثانی ١٤٢٤ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٥، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2003/08/1314/

٥٠. قاسم، عیسی، (٢٠٠٤/٢/٦)، خطبة الجمعة (١٤٠)، بتاریخ ١٤ ذوالحجة ١٤٢٤ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٥، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2004/02/1344/

٥١. قاسم، عیسی، (٢٠٠٥/٤/١)، خطبة الجمعة (١٩٣)، بتاریخ ٢١ صفر ١٤٢٦ ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ٢٠١٧/١١/٦، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2005/04/1452/

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]

۵۲. قاسم، عیسی، (۲۰۰۵/۱/۲۱)، خطبة الجمعة (۱۸۳)، بتاریخ ۱۰ ذوالحجة ۱٤۲۵ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2005/01/1432/

۵۳. قاسم، عیسی، (۲۰۱۲/۹/۲۸)، خطبة الجمعة (۵۲۲)، بتاریخ ۱۱ ذوالقعدة ۱٤۳۳ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2012/09/2205/

٥٤. قاسم، عیسی، (۲۰۰٤/٤/١٦)، خطبة الجمعة (۱۵۰)، بتاریخ ٢٦ صفر ۱٤۲۵ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2004/04/1364/

۵۵. قاسم، عیسی، (۲۰۰٦/٦/۹)، خطبة الجمعة (٢٤٦)، بتاریخ ۱۲ جمادی الأولی ۱٤۲۷ ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2006/06/1563/

٥٦. قاسم، عیسی، (۲۰۰۱/۷/۲۷)، خطبة الجمعة (۱۷)، بتاریخ ۷ جمادی الأولی ۱٤۲۲ ه، المقاوم، للثقافة و الإعلام، تاریخ مشاهده ۲۰۱۷/۱۱/۵، قابل‌مشاهده در سامانه ذیل:
http://almuqawim.net/2001/07/384/

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۷۰۴۰۲
به این مقاله این‌گونه استناد کنید:
شاکری، سید رضا؛ زینالی، صادق؛ بیگی، علیرضا (۱۳۹٦)، «مفهوم حکومت مطلوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله شیخ عیسی قاسم»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۷، ش ٤، زمستان ۹٦، صص ۵۷-۳۳.

[Downloaded from mail.priw.ir on 2026-09-28]